

توسعه‌ای بی جهت، مدیریتی بی نقشه

توسعه ناپایدار گردشگری در حاشیه خلیج فارس به‌عنوان موضوعی چالش‌برانگیز به یکی از نگرانی‌های جدی در این منطقه تبدیل شده است. باوجود پتانسیل‌های فراوان، نبود برنامه‌ریزی‌های علمی و دقیق در مدیریت مقاصد گردشگری، سبب شده تا این صنعت نه تنها به اهداف توسعه پایدار نرسد، بلکه با مشکلاتی همچون افزایش قیمت‌ها، آلودگی محیط‌زیست و تغییر کاربری زمین‌ها مواجه شود.

رقص ملودی‌ها در آغوش دریا

خلیج فارس از نمای نزدیک

خلیج فارس را باید از دل زندگی مردم جنوب دید؛ آنجا که نغمه‌ها، طعم‌ها، قایق‌ها و رنگ‌ها در آغوش طبیعت بهم پیوسته‌اند



۲ درگفت‌وگو با محدثه گرمابدی، فعال گردشگری مطرح شد گردشگری پایدار؛ رویای دور

۳ سهراب دریاوندی، مستندساز از فرهنگ غذایی خلیج فارس می‌گوید سفره‌های رنگارنگ اهالی جنوب

۴ رضا عابدیان، پژوهشگر موسیقی نواحی از پتانسیل موسیقی جنوب می‌گوید گردشگری با نوای موسیقی

درگفت‌وگو با سید معین هاشمی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش مطرح شد؛

فعالیت‌های شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش در حوزه توسعه پایدار است



خلیج فارس، به‌عنوان قلب تپنده اقتصاد دریا محور ایران، فرصت‌های بی‌نظیری برای سرمایه‌گذاری و رشد در اختیار کیش قرار می‌دهد. سید معین هاشمی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش در مصاحبه با روزنامه «پیام ما» به ظرفیت‌های اقتصادی خلیج فارس و نقش کلیدی این شرکت در ایجاد توسعه پایدار در جزیره کیش پرداخته است. هاشمی در این گفتگو به معرفی برنامه‌ها و رویکردهای کلیدی شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش در سال جاری، از جمله ایجاد فضای کاری نوآورانه و پروژه «پیشخوان VIP سرمایه‌گذاری» پرداخته و بر اهمیت تبدیل سرمایه‌های راکد به سرمایه‌های مولد تأکید می‌کند. علاوه بر این، او پیامی ویژه برای هم‌میهنان و ساکنان کیش در روز ملی خلیج فارس دارد که نشان‌دهنده همبستگی و فرهنگ غنی ایرانیان است. این مصاحبه، چشم‌اندازی روشن از تلاش‌های مستمر شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌ها و توسعه پایدار جزیره کیش ارائه می‌دهد.



محمد زرا | کارشناس روابط عمومی

حمل‌ونقل بین‌المللی، انرژی و گردشگری دریا محور ایفا می‌کند. در این میان، جزیره کیش با موقعیت راهبردی خود در این پهنه ارزشمند، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های اقتصاد مبتنی بر دریا، ظرفیت بی‌بدیلی برای توسعه پایدار، سرمایه‌گذاری هوشمند و حضور مؤثر در بازارهای منطقه‌ای و جهانی دارد.

«منطقه خلیج فارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی ایران شناخته می‌شود. شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش چگونه از این ظرفیت برای توسعه پایدار جزیره کیش استفاده می‌کند؟»
بله، خلیج فارس به‌عنوان قلب تپنده اقتصاد دریا محور کشور، نقشی تعیین‌کننده در زنجیره‌های ارزش افزوده، تجارت دریایی،

نقشی حیاتی در دستیابی به نتایج مثبت دارد. تمرکز بر اقتصاد مولد و شفاف‌سازی فرایندهای سرمایه‌گذاری در جزیره کیش از اولویت‌های این مجموعه است. شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش در جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های نوین برای کسب‌وکارهای مختلف نقش ویژه‌ای دارد و من از همه فعالان اقتصادی درخواست دارم تا در راستای دستیابی به اهداف توسعه پایدار با ما همکاری کنند.

به‌عنوان مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه

کیش، چه پیامی برای مردم ایران و به‌ویژه ساکنان جزیره کیش به مناسبت روز ملی خلیج فارس دارید؟
روز بزرگ و فراموش‌نشده خلیج فارس، نماد عزت، هویت و اقتدار ایران عزیز است. بر خود واجب می‌دانم این روز را به‌تمامی هم‌وطنان و به‌ویژه مردم شریف و خونگرم جزیره کیش تبریک و تهنیت عرض کنم. امید دارم در سایه همت و وحدت، خلیج همیشه فارس همچنان نمادی از اقتدار، فرهنگ و همبستگی ایران ما باقی بماند.

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش

«با سرمایه‌گذاری در جزیره کیش بیشتر از اکنون باشید»

پروژه‌های آماده:

- ۶ پروژه مشارکتی به مساحت بیش از ۲۶۰ هزار متر مربع
- کاربری‌های مسکونی، تجاری و خدماتی و مختلط
- فرصت‌های بینظیر برای ارائه به فعالان اقتصادی

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش:

- شفافیت در امور
- سرعت عمل
- پایبندی به تعهدات
- ارتقای کیفیت

دفتر مرکزی: جزیره کیش - لوپ دیدار
برج صدف - شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش
تلفن: ۰۷۶-۴۴۴۵۳۳۷۱-۲۲

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش باهدف ارتقای چشم‌انداز اقتصادی و اجتماعی این جزیره و بهبود زیرساخت‌های تجاری، گردشگری و صنعتی، در حال برنامه‌ریزی برای اجرای پروژه‌هایی است که به رونق منطقه و بهبودی بیشتر از ظرفیت‌ها کمک خواهد کرد. از این‌رو، در تلاشیم تا با شفافیت، نوآوری و همکاری تیمی، نقشی مؤثر در رشد و توسعه منطقه ایفا کنیم.

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش چه برنامه‌های کلیدی و راهبردی برای توسعه اقتصادی و گردشگری جزیره کیش در سال جاری دارد؟

ایجاد فضاهای کاری نوآورانه و توسعه فناوری‌های نوین برای جذب سرمایه‌گذاران و کارآفرینان با توجه به شرایط جدید بازار، گسترش همکاری‌های بین‌المللی ایجاد و تقویت روابط تجاری بین‌المللی برای جذب سرمایه و ارتقای جایگاه بین‌المللی کیش به‌عنوان یک مقصد جذاب اقتصادی همچنین توسعه زیرساخت‌های گردشگری باهدف جذب بیشتر گردشگران و تقویت این صنعت در منطقه آزاد کیش ازجمله برنامه‌ها و پروژه‌های کلیدی و راهبردی شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش در سال جاری است. ما در شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش همواره برای گسترش و صیانت از ارزش‌های ملی و ارتقای جایگاه جزیره کیش در سطح کشور و جهان تلاش خواهد کرد و به‌عنوان عضوی کوچک از خانواده بزرگ کیش، همواره با افتخار در مسیر توسعه پایدار و هم‌افزایی اقتصادی این جزیره گام برمی‌داریم.

درباره پروژه «پیشخوان VIP سرمایه‌گذاری» در کیش توضیح می‌دهید؟

مخاطبان سرمایه‌گذاری باید به یک حوزه مشخص در این منطقه آزاد مراجعه کنند؛ بنابراین هدف از اجرا و راه‌اندازی پنجره واحد سرمایه‌گذاری، تسهیل فرایندها و معرفی فرصت‌های منطقه به مخاطبان گروه هدف است. ایجاد پنجره واحد سرمایه‌گذاری در بحث کاهش بروکراسی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی نقش بسزایی خواهد داشت و کیش باید در این حوزه پیش‌گام باشد؛ چراکه ویژگی‌های منطقه آزاد با سایر مناطق آزاد کشور متمایز است.

یکی از مباحثی که در راستای توسعه اقتصادی جزیره کیش مطرح می‌شود، تبدیل سرمایه‌های راکد به سرمایه‌های مولد است. در این باره توضیح می‌دهید؟

تمرکز بر فعال‌سازی ظرفیت‌های موجود و تبدیل سرمایه‌های راکد به سرمایه‌های مولد در جزیره کیش امری ضروری است. تشکیل سرمایه و بهبودی از جمله پیش‌نیازهای رشد پایدار اقتصاد است. علاوه بر سرمایه‌گذاری، توجه به بهره‌وری نیز

گفت‌وگو با علی شادلو، مدرس و فعال گردشگری درباره توسعه گردشگری در خلیج فارس

توسعه‌ای بی‌جهت، مدیریتی بی‌نقشه

خلیج فارس میان پتانسیل‌های بکر و سیاست‌گذاری‌های ناپایدار گرفتار شده؛ توسعه‌ای بی‌جهت، ناپایدار و آسیب‌زا



- ۱ - ۱۶۱

توسعه ناپایدار گردشگری در حاشیه خلیج‌فارس به‌عنوان موضوعی چالش‌برانگیز به یکی از نگرانی‌های جدی در این منطقه تبدیل شده است. باوجود پتانسیل‌های فراوان، نبود برنامه‌ریزی‌های علمی و دقیق در مدیریت مقاصد گردشگری، سبب شده تا این صنعت نفعثنا به اهداف توسعه‌ی پایدار نرسد، بلکه با مشکلاتی همچون افزایش قیمت‌ها، آلودگی محیط‌زیست و تغییر کاربری زمین‌ها مواجه شود. در بسیاری از موارد، گردشگری به‌طور غیر مدبرانه‌ای اجرا می‌شود و به‌جای بهره‌برداری از ظرفیت‌های محلی، آسیب‌هایی جدی به جوامع محلی و منابع طبیعی وارد می‌شود. برای بررسی این شرایط و چالش‌های موجود، با علی شادلو، مدرس و فعال گردشگری و محیط‌زیست، به‌گفت‌وگو پرداخته‌ایم. او در این مصاحبه به تحلیل و واکاوی دلایل ناکامی‌های موجود در عرصه گردشگری در حاشیه خلیج‌فارس و ارائه راهکارهایی برای دستیابی به توسعه پایدار می‌پردازد.

آیا توسعه گردشگری در حاشیه خلیج فارس در ال‌های اخیر به شکل پایدار بوده است؟ چه چالش‌هایی در این حوزه وجود دارد؟
جریان گردشگری در خلیج‌فارس با گردشگری در دیگر مناطق ایران مثل اصفهان و شیراز تفاوتی ندارد. ما در کشور معمولاً نمی‌توانیم میزان پیشرفت برنامه‌های بلندمدت را به‌دسترسی رصد کنیم و حتی زمانی که این کار را هم می‌توانیم انجام دهیم، آن‌قدر از اهداف دور هستیم که تنها باعث حسرت و ناراحتی می‌شود. به‌عنوان‌مثال، فکر می‌کنید ما چه اندازه به اهداف تعیین‌شده در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نزدیک هستیم؟ به‌طور خاص در زمینه گردشگری حتی به ۱۰ درصد اهداف نیز دست نیافته‌ایم. بررسی برنامه‌های کوتاه‌مدت نیز به دلیل وابستگی به نگاه و اعتقادات سیاسی هر دولت، نتایج متفاوتی دارد. با تغییر دولت‌ها، اوضاع و برنامه‌ها به‌سرعت تغییر می‌کنند و این امر مانع از ایجاد یک مسیر مشخص برای توسعه می‌شود؛ بنابراین، پایداری در توسعه بدون اهداف بلندمدت امکان‌پذیر نیست و

جامعه‌شناس، مردم‌شناس و… بر سریک میزبانشیند و برآوردها انجام شود تا بتوانیم بگوییم که آیا رشد گردشگری در یک منطقه سودمند بوده یا خیر
بهرحال این روزها درباره رشد گردشگری ناپایدار که منجر به ایجاد انواع آلودگی محیط‌زیست، افزایش قیمت و تغییر در کاربری زمین و… می‌شود، زیاد صحبت می‌شود. چطور می‌توان جلوی این عوامل آسیب‌زا را گرفت؟

«ناگردشگری» کلمه‌ای است که باید وارد فرهنگ لغات این صنعت کنیم. آنچه که منجر به آلودگی منابع، افزایش قیمت زمین و تغییر کاربری‌ها و… می‌شود، گردشگری نیست، ناگردشگری است. ما از مفهوم گردشگری استفاده می‌کنیم، بدون اینکه آموزش لازم را در سطح مدیریت کلان و خرد، گردشگر و جامعه محلی انجام داده باشیم؛ بنابراین شاهد این نتایج زیان‌بار هستیم. اگر گردشگری را با مفهوم واقعی خود داشته باشیم که در کشورهای پیشرفته با برنامه و مطالعه پی‌ریزی می‌شود، دیگر شاهد هیچ‌یک از عوارض منفی مذکور نمی‌شویم؛ بنابراین آنچه رخ می‌دهد، حاصل چیزی است که به تعبیر من ناگردشگری است. الان در شرایطی هستیم که همه مشکلات را می‌دانیم، حتی راه‌حل را هم می‌دانیم، اما هیچ‌کس برای رفع معضلات و موانع قدمی برنمی‌دارد. انگار همه منتظرند و به هم خیره شده‌اند. وزیر، نماینده، کارشناس، همه انگار به هم خیره شده‌اند. مثل آدمی که چیزی را می‌داند، می‌خواهد حرف بزند و حقیقت را بگوید؛ اما دچار لکتنت است

در حال حاضر در کشور، گردشگری، چلوتر از دولت در حال حرکت است. مردم در این وضعیت حرکت می‌کنند و دولت پشت سرشان، لنگان به راه ادامه می‌دهد؛ بنابراین حرکت روبه‌جلو برای مردم سخت و دشوار است. مثال بوم‌گردی‌ها را می‌زنم. بخش خصوصی بوم‌گردی‌ها را راه انداخت، دولت اول مقابله کرد، ولی بعد از استقبال مردم، دولت خودش مشوق این بخش شد. الان توسعه گردشگری‌ما، مثل قطاری است که ریلی ندارد و انگار دولت سعی دارد، آن را دندعقب به سمت هدف براند. این کار مسلماً بسیار مشقت‌بار و زمان بر است و منجر به هدررفت زمان و سرمایه مملکت است

اینکه ما در مقاصد گردشگری «ظرفیت برد» را در نظر نمی‌گیریم، چه صدماتی می‌تواند در مسیر توسعه پایدار برگردشگری داشته باشد؟

«ظرفیت برد» عاملی است که آن‌قدر در کشور به آن نپرداختیم تا به‌طور کامل در دنیا منقضی شده است. ظرفیت برد باید کامل مشخص کند که در تعداد گردشگر با چه نوع و تعداد وسیله نقلیه‌ای در یک محوطه مشخص امکان تردد و بازدید دارند. فقط حضور کمی گردشگر را نباید در نظر گرفت. حضور کیفی افراد در محیط هم ملاک است. اینجا پای میحثی باز می‌شود با عنوان «پهن‌دسی رفتار گردشگران». در این محبت، رفتار گردشگر برای یک مقصد مشخص تحلیل می‌شود و برای این کار از افراد آموزش‌دیده استفاده می‌شود. دیگر کسی از ظرفیت برد صحبت نمی‌کند. علم روز دنیا مدیریت تلفیقی است که یکی از زیر شاخه‌های آن، بررسی تعداد گردشگر است. عوامل دیگر امکانات مورد نیاز و مهندسی سبز است. در این سیستم مقایسه می‌شود که وقتی یک هتل ساخته

نداریم و این موجب بروز همه مسائل مرتبط با توسعه ناپایدار در گردشگری می‌شود. در دنیا به‌طور جامع تمام جوانب حضور گردشگران در یک مقصد را بررسی و برای آن قوانین و ضوابطی تعیین می‌شود تا هر بخشی از مقصد که با گردشگران مواجه است، آسیب نبیند و در عوض بهره‌مند شود. در پاسخ به سؤالی که درباره وضعیت خلیج‌فارس مطرح کردید، می‌توان گفت اگر وضعیت ملی را بررسی کنیم، همان شرایط را می‌توان به خلیج‌فارس نیز تصمیم داد. آنچه گفتیم مربوط به فرایند مدیریت مقصد است و متأسفانه در ایران، ما هیچ‌گونه سیستمی تحت این عنوان نداریم. در کشور ما درکی از ضرورت وجود شرکت‌های مدیریت مقصد وجود ندارد که این مسئله خود موجب مشکلات و ناپایداری در توسعه گردشگری می‌شود. مثلاً مدیران استانی در خلیج‌فارس آیا مشاوران یا پیمانکاران مدیریت مقصد دارند؟ اصلاً این موضوع در شرح وظایف و خدمات آنها ذکر شده است؟ اصلاً این موضوع را می‌شناسند؟ این مسئله در برنامه‌های بلندمدت که دیده نمی‌شود، در برنامه‌های کوتاه‌مدت در دولت‌ها هم که دیده نمی‌شود. در اسناد بودجه و مدیریت کشور هم که نیست، موضوع برزندگی هم که مشخص نیست. پس به‌طورقطع می‌توان گفت گردشگری در کشور و همین‌طور در حاشیه خلیج‌فارس گردشگری پایدار نیست

چگونه می‌توان بررسی کرد که تأثیر گردشگری در یک منطقه خاص مثل خلیج‌فارس، بر سلامت اکوسیستم‌های محلی چیست؟

گردشگری دریاپی ما خیلی پررونق نیست که مثل سواحل موناکو دیواره‌دیدوار ساختمان‌های حاشیه سواحل دریا هتل ساخته باشیم و سواحلمان پر از گردشگر باشد. صنعت گردشگری، در مقایسه با سایر صنایع تأثیرگذار در منطقه خلیج‌فارس، کمترین اثر منفی محیط‌زیستی را در این منطقه دارد. در خط ساحلی خلیج‌فارس، صنعت نفت فعال است و آلودگی این صنعت اصلاً با آلودگی صنعت گردشگری که حجم بسیار ناچیزی در منطقه دارد، قابل‌قیاس نیست. ولی آلودگی‌های ناشی از صنعت گردشگری در سطح جامعه بسیار بیشتر از سایر صنایع دیده می‌شود. چون هم اطلاعات در این باره در جامعه کم است و هم صنایع بزرگ‌تر این قدرت را دارند که اثرات منفی خود را پنهان کنند. کسی نمی‌تواند آلودگی حاصل از پالایشگاه را اندازه‌گیری کند و تحلیل و رسانه‌ای کند، ولی شیشه نوشابه که گردشگر به دریا می‌اندازد را همه می‌بینند. سال‌ها خاک هرمز به کشورهای اطراف فروخته می‌شد و هیچ‌وقت رسانه‌ای نشد و کسی خبری نداشت، چون مسافری نمی‌رفت و دوربینی نبود. اما امروز که گردشگری منطقه رواج یافته و فیلم و عکس تهیه می‌شود، می‌توان به‌راحتی این را تشخیص داد. اما چیزی که در رسانه بیشتر به آن پرداخته می‌شود، بردن ماسه‌های تفرهای توسط گردشگران است. هر دو این عوامل آسیب‌رسان است اما بعد و وسعت آن قابل‌مقایسه نیست. فروش و صادرات خاک می‌تواند دیده نشود، اما بردن ماسه، توسط گردشگر دیده می‌شود و اینها اصلاً قابل‌مقایسه نیستند. البته تمام این بررسی‌ها نیاز به نگاه چندجانبه دارد. شاید من به‌عنوان فعال گردشگری، فعالیت صنعت گردشگری در مقاصد را مفید ارزیابی کنم؛ اما برای رسیدن به جواب درست، باید علاوه بر یک متخصص گردشگری، اقتصاددان، اکولوژیست، بیولوژیست، جغرافی‌دان، جمعیت‌شناس،

و چشم‌انداز مشخصی داشته باشیم. همه ذی‌نفعان، از بخشی‌های دولتی و خصوصی تا جامعه محلی و راهنماها و گردشگران، باید دست‌به‌دست هم دهند تا گردشگری پایدار و

مسئولانه محقق شود

اصولاً توسعه گردشگری چه زمانی به سمت ناپایداری می‌رود؟

زمانی که تعداد گردشگران در یک منطقه به‌شدت افزایش یابد و درعین‌حال، برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی مناسب وجود نداشته باشد، یا زمانی که گردشگری بدون داشتن چشم‌انداز مشخص و قوانین و نظارت‌های لازم انجام شود، خطر رشد گردشگری غیر پایدار به وجود می‌آید. این نوع گردشگری، که معمولاً ناشی از گردشگری انبوه است، می‌تواند منجر به بروز انواع آلودگی‌ها از جمله آلودگی آب‌وخاک، آتپاشت زباله و گسترش گونه‌های گیاهی غیربومی شود

به‌عنوان‌مثال، در بسیاری از مناطق تقریحی برای زیبا کردن فضا، از گونه‌های گیاهی استفاده می‌شود که به محیط‌زیست محلی مربوط نیستند. این می‌تواند باعث شود که این‌گونه‌های غیربومی به‌طور بیهوشه رشد کنند و در نتیجه، بسیاری از گونه‌های بومی به‌خطر افتند. همچنین، در منطقه خلیج‌فارس، سواحل مرجانی به دلیل تردد و آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های گردشگری در معرض خطر قرار دارند. اگر اقدامات لازم برای حفاظت از این اکوسیستم‌های حساس و ارزشمند انجام نشود، ممکن است آنها به‌شدت تخریب شده و از بین بروند

در سال‌های اخیر شاهد رشد پروژه‌های گردشگری مختلفی در منطقه خلیج‌فارس هستیم. آیا وجود این پروژه‌ها مشکلاتی برای اکوسیستم این منطقه ایجاد می‌کند؟

خیلی از این پروژه‌ها ادعا دارند که به حفاظت از محیط‌زیست منطقه کمک می‌کنند، ولی در عمل ممکن است که این‌طور نباشد. چون اگر به محیط‌زیست توجه می‌شد، ما شاهد گردشگری ناپایدار یا توسعه گردشگری انبوه نبودیم.

شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است، زباله‌اش را چطور دفع می‌کند؟ سیستم فاضلاب دارد؟ آیا پرشش را از انرژی سبز تأمین می‌کند؟ امروزه در دنیا از مدیریت تلفیقی صحبت می‌شود؛ اما ما هنوز از ظرفیت برد حرف می‌زنیم که یکی از ده‌ها آیتم مدیریت تلفیقی است و تازه رعایت هم نمی‌شود. وقتی ما عزمی برای عمل به برنامه‌های کلی و طولانی‌مدت و نظارت بر اجرای آن‌ها نداریم، چطور می‌توانیم از پایداری صحبت کنیم

درآمد حاصل از گردشگری در خلیج فارس به جیب مردم محلی برمی‌گردد؟

در دیدگاه‌های کلان، گردشگری به دودسته تقسیم می‌شود. گردشگری ثروت‌گرا و گردشگری جامعه‌گرا. گردشگری مثل هر صنعت دیگری به سمت ثروت‌گرایی کشش دارد. به این صورت که فردی که سرمایه دارد، هتل می‌سازد و بالطبع درآمد حاصل نیز افزایش می‌یابد. فرد دیگری که پول کمتری دارد، سهم کمتری در صنعت برمی‌دارد. اما اگر از این زاویه به موضوع نگاه کنیم که گردشگری صنعتی است برای درآمدزایی برای جامعه بومی، گردشگری به سمت گردشگری جامعه‌گرا متمایل شده است. الان باید این موضوع را مدنظر قرار دهیم که آیا گردشگری در استان‌های هم‌جوار خلیج‌فارس، مثل خوزستان، بوشهر، هرمزگان، سمتی برنامه‌ریزی و مدیریت می‌شود که گردشگری ثروت گرا باشد یا جامعه‌گرا. جواب می‌تواند این باشد که اصلاً درکی از این مفاهیم وجود ندارد، یا برنامه‌ای برای آن نیست و باری به هر جهت دارند پیش می‌روند. به‌طور ذاتی صنعت گردشگری برای رشد نیاز به سرمایه دارد، پس این صنعت می‌شود عامل بیشترشدن ثروت‌ا اما اگر بخواهیم این دو سر طیف را با هم مقایسه کنیم؛ هر یک جایگاه خود را دارد و باید تعادل و توازن را بین آنها را رعایت کرد. یعنی در جایی که نیاز به ثروت‌گرایی و وجود سرمایه است، نمی‌توان کار را یا رویکرد جامعه‌گرا پیش برد و در جایی که نیاز به رویکرد جامعه گرایی است، نمی‌توان با زور سرمایه‌گرایی، منافع دیگران را نادیده گرفت. کسی که درک درستی از ژئوپلیتیک گردشگری دارد، می‌تواند این‌ها را بررسی کند و تشخیص دهد که کدام منطقه مستعد گردشگری جامعه‌گرا و یکم مستعد گردشگری ثروت‌گرا است. این کار نیاز به تحقیق و پیمایش مردم و استعداد‌های بومی است. بر اساس توصیه و با بی‌برنامگی نمی‌توان کار را پیش برد و انتظار موفقیت هم داشت

یکی از شکایتهای متداول بخش خصوصی، دخالت دولت در عملکرد و تصمیم‌گیری‌ها است، می‌توان این دخالت را به این دلیل توجیه کرد که دولت صنعت گردشگری را عامل ایجاد ثروت می‌داند و می‌خواهد خودش عامل تعیین‌کننده باشد؟

من معتقدم در بحث مدیریتی ما دچار لکتنت هستیم. نمی‌توانیم آنچه واقعاً اتفاق می‌افتد را تحلیل کنیم و پاسخگو نباشیم. مثلاً سرمایه‌گذار بخش خصوصی باید نیازسنجی کند. سرمایه بگذار و سیستمی را راه‌اندازی کند، اما برآورد قیمت با دولت است. من رئیس صنف آموزش در گردشگری بودم، سازمان میراث وقت، از ما بهترین و بالاترین سطح خدمات آموزشی‌با بهترین اساتید را می‌خواست و در مقابل کمترین قیمت ممکن را تعیین می‌کرد. به همین دلیل می‌گویم که در مدیریت دچار لکتنت هستیم

به همراه دارد. این پدیده به‌مراتب بیشتر خواهد شد. به‌عنوان‌مثال، یکی از اثرات منفی توسعه گردشگری غیر پایدار، ایجاد تورم به دلیل حضور بیش از حد گردشگران و تقاضاهایی است که به وجود می‌آید. در بسیاری از موارد، امکانات موجود به‌اندازه کافی برای پاسخگویی به نیاز همه گردشگران نیست

در برخی مناطق، قیمت مایحتاج اولیه به میزان بسیار بالایی افزایش می‌یابد و حتی ممکن است ۲۰ برابر قیمت واقعی برسد. این مشکلات معمولاً در فصل‌های گردشگری بخصوص در زمان اوج فصل رخ می‌دهد و درآمد کاذبی را برای جامعه محلی ایجاد می‌کند. هنگام ترک گردشگران از منطقه و کاهش تعداد آن‌ها، این افزایش قیمت‌ها پایدار می‌ماند

این وضعیت بر قیمت مایحتاج اولیه و سایر منابع تأثیر منفی می‌گذارد. دلیل این مشکل در عدم آموزش و فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه محلی نهفته است. متأسفانه، جامعه محلی یا کسب‌وکارهای ارائه‌دهنده خدمات گردشگری در منطقه به‌درستی متوجه نیستند که افزایش نرخ‌ها در نهایت به ضرر خودشان خواهد بود. این منجر به افزایش قیمت‌ها و تغییر کاربری زمین‌ها می‌شود و در پایان، جامعه محلی بعد از خروج گردشگران باید با پیامدهای ناگوار این تغییرات روبرو شود

سیاست‌های دولتی و قوانین موجود از گردشگری پایدار در ایران حمایت می‌کند؟

در مورد گردشگری پایدار، ما مقررات مکتوبی داریم که در سازمان محیط‌زیست و وزارت میراث‌فرهنگی و گردشگری وجود دارد. اما چالش اصلی در اجرای کامل و نظارت بر این قوانین است. هرچند که قوانین در دسترس هستند، اما نیاز است که بر روند نظارت و بازرسی تأکید بیشتری شود. تمامی افراد مرتبط از جمله کسانی که در بستر کسب‌وکار مشغول‌اند و آلزاسر‌های گردشگری، باید ملزم به رعایت این قوانین باشند. این نیازمند عزم عمومی است تا همه به این قوانین پایبند باشند و به‌درستی آنها را اجرا کنند

^[1]
^[2]



ریحانه حیدری | روزنامه‌نگار

سهراب دریابندری، مستندساز از فرهنگ غذایی خلیج فارس می‌گوید؛

سفره‌های رنگارنگ اهالی جنوب

آشپزی خلیج فارس؛ دیگ جوشان فرهنگ‌ها و طعم‌های ماندگار است؛ از طعم «قلیه ماهی» تا عطر خوش «لخ‌لاخ»

شیرینی خرما، تندی فلفل و بوی ماهی، روح فرهنگ غذایی جنوب ایران را شکل می‌دهند. اینجا قهوه را با آیینی خاص دم می‌کنند و خرما همدم همیشه سفره‌ها است. خلیج‌فارس با هوای شرجی و هرم گرمایش چنان تأثیری در سبک غذایی مردم این منطقه داشته که هر لقمه، قصه‌ای از نخلستان و دریا را روایت می‌کند. به بهانه روز ملی خلیج‌فارس و برای کشف رازهای فرهنگ غذایی این منطقه، با سهراب دریابندری، مترجم، مستندساز و دستیار نجف دریابندری و فهیمه راستکار در کتاب مستطاب آشپزی گفت‌وگو کرده‌ایم. او در این گفت‌وگو از تجربه سفر به سفره‌های مردم جنوب ایران گفته است.

چه چیزی باعث شده غذاهای جنوب طعم و عطر ویژه‌ای به خودشان بگیرند؟

البته عطر و طعم خوراک هر منطقه‌ای برای خودش ویژه است، اما اگر به جغرافیای مختلف ایران نگاه کنیم، به‌خصوص در صفحات خوزستان و استان بوشهر، معجون خاصی شکل گرفته که آن را منحصربه‌فرد کرده. این معجون حاوی مواد متعددی است. تنوع فرهنگ‌های بومی که هم‌ریشه‌های تاریخی متنوع و دیرینه‌ای دارد و هم‌شکل‌های بسیار متنوعی از کار و زندگی در آن گرد آمده، سفره خوراکی بسیار رنگین را به وجود آورده. طبیعت آن مناطق بسیار پُر حاصل بوده و خلیج‌فارس هم به قول کتاب مستطاب «میوه‌های دریا» را به ما داده، در همین حال دسترسی و اختلاط با فرهنگ‌های دوردستر را فراهم کرده. همه اینها در یک دیگ فرهنگی جوشیده و رفته‌رفته یک آشپزی را به وجود آورده که به‌عنوان یک منطقه جغرافیایی قابل‌تفکیک و شناسایی شده. این را هم باید بگویم در سواحل دریای عمان هم کم‌وبیش همین شرایط پیش‌آمده، اما این دو قسمت، خواص جداگانه خودشان را دارند.

دریا و مسیر تجارت دریایی، گذر مسافران و تجار تا چه اندازه توانسته روی فرهنگ غذایی مردمان جنوب تأثیر داشته باشد؟

در خصوص دریا که در یک صحبت ساده نمی‌گنجد. در اینجا بحث جانورشناسی و شناخت طبیعت دریا و شیلات و این‌ها پیش می‌آید. اما واضح است که همین «میوه‌های دریا» بخش مهمی از ماچرا است، ولی زندگی و کار مرتبط با انواع کشتیرانی و انواع ماهیگیری هم البته بی‌تأثیر نیست. به نظر می‌رسد که بعضی از غذاهای جنوب روی دریا و در کشتی‌ها خلق شده باشند. من حدس می‌زنم قلیه‌ماهی یکی از اینها باشد. قلیه خوراک انتظاف‌پذیری است و جا برای خلاقیت دارد. ذاتش در حقیقت مثل آب‌گوش است و شاید روی دریا حتی گاهی نان هم که نباشد، بتوان با پیاز خالی خورد. این غذا با ماهی تازه که چند دقیقه قبل از آب بیرون آمده باشد، هر دریابندی را برای حداقل چند دقیقه از تمام سختی‌های زندگی روی دریا دور می‌کند. اگر هم بخواهیم می‌توانیم آن را در حد فاخرترین سفره‌ها بالا ببریم. می‌شود با قلیه از میهمان‌هایی پذیرایی کرد که به‌قول معروف خیلی شأنشان بالا باشد، و در این جور مواقع معمولاً شکل خورش به خودش می‌گیرد و برنج شمال و قلیه جنوب انگار تمام ایران را در حفاصل بین دریای شمال و خلیج‌فارس به سفره آورده باشد. البته بعدش هم باید حتماً چای و خرماهای جنوب و اگر شد «رنگینک» و یا «معسله» فراهم شود.

تجارت دریایی و همین اختلاط با فرهنگ‌های خارجی که گفتیم، به نظرم قسمت مهم‌ترش اعراب حاشیه خلیج و دریای عمان هستند و بعد هند و آفریقا. مثلاً ما خوراکی در جنوب داریم که نامش «لخ‌لاخ» است. یک نوع پلو ماهی است. احتمالاً رگ و ریشه

در خصوص دریا که در یک صحبت ساده نمی‌گنجد. در اینجا بحث جانورشناسی و شناخت طبیعت دریا و شیلات و این‌ها پیش می‌آید. اما واضح است که همین «میوه‌های دریا» بخش مهمی از ماچرا است، ولی زندگی و کار مرتبط با انواع کشتیرانی و انواع ماهیگیری هم البته بی‌تأثیر نیست. به نظر می‌رسد که بعضی از غذاهای جنوب روی دریا و در کشتی‌ها خلق شده باشند. من حدس می‌زنم قلیه‌ماهی یکی از اینها باشد. قلیه خوراک انتظاف‌پذیری است و جا برای خلاقیت دارد. ذاتش در حقیقت مثل آب‌گوش است و شاید روی دریا حتی گاهی نان هم که نباشد، بتوان با پیاز خالی خورد. این غذا با ماهی تازه که چند دقیقه قبل از آب بیرون آمده باشد، هر دریابندی را برای حداقل چند دقیقه از تمام سختی‌های زندگی روی دریا دور می‌کند. اگر هم بخواهیم می‌توانیم آن را در حد فاخرترین سفره‌ها بالا ببریم. می‌شود با قلیه از میهمان‌هایی پذیرایی کرد که به‌قول معروف خیلی شأنشان بالا باشد، و در این جور مواقع معمولاً شکل خورش به خودش می‌گیرد و برنج شمال و قلیه جنوب انگار تمام ایران را در حفاصل بین دریای شمال و خلیج‌فارس به سفره آورده باشد. البته بعدش هم باید حتماً چای و خرماهای جنوب و اگر شد «رنگینک» و یا «معسله» فراهم شود.

چه چیزی میان ادویه مناطق جنوب ایران با ادویه هندی تمایز ایجاد می‌کند؟

پاسخ‌دادن به این پرسش خیلی سخت است. بخواهم خلاصه بگویم فرقی مثل فرق تزئینات کامیون‌ها و اتوبوس‌های هندی و ایرانی است. حالا به چه علت راننده کامیون ایرانی به اندازه هندی به گل‌پوخته علاقه ندارد، من نمی‌دانم، ولی معمولاً باید روی ماشین خودش یک شعری، شعاری، دو سه تا گل و یکی دو تا چراغ تزئینی داشته باشد. اما راننده هندی، جای خالی روی بدنه ماشینش گذاشته. رابطه مردم ما با خوراک هم کم‌وبیش همین است. ساده است، ولی چیزهایی هم در گوشه‌وکنار درج شده. خوراک هندی معمولاً از مزه و طعم اشباع شده. اما پایه و اساس کار همان است. آشپزی هندی تا حد زیادی متأثر از آشپزی

بیشتر آشپزهای حرفه‌ای رستوران‌ها مرد بوده‌اند. این بازناتب تفکیک جنسیتی در جامعه است. ربطی به آشپزی ندارد. صید هم حتی به نظرم دیگر وقتش است زانته مرانه نباشد. زمانه تغییر کرده. نباید به این افکار دامن زد

زنان در بسیاری از مشاغل دیگر حضور پررنگی دارند، اما در صیادی این چنین نبوده. آیا در سال‌های اخیر حضورشان در این حوزه بیشتر از گذشته شده؟

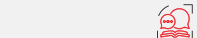
صیادی به‌خصوص روی کشتی، شغل بسیار پر مشقت و طاقت‌فرسایی است. به‌طورکلی زندگی روی دریا خیلی سخت است. من بعید می‌دانم که امروز تعداد زیادی از زنان مشغول به این نوع کار شده باشند، چون هنوز هم فرض بر این است که خانم‌ها قادر به انجام چنین کارهایی نیستند. ولی انگار تک‌توتو و در گوشه‌وکنار سواحل جنوب چنین اتفاقی دیده شده. از طرفی، به‌طورقطع در ماهیگیری به شکل یک ورزش یا تفریح فعال هستند، این هم جالب است که به‌رحال این ورزشی است که آخر کارش به آشپزی میکشد

به دلیل گسترش شبکه‌های مجازی، تجربه سفر و استفاده از فست‌فودها، غذاهای جدید از فرهنگ‌های مختلف وارد زندگی ما شده. آیا این امر سبب شده تا غذاهای جنوبی تحت‌تأثیر قرار بگیرند یا مهجور واقع شوند؟

همانطور که گفتیم، آشپزی ما در معرض خطراتی است که البته این موضوع تازه نیست. اما خطر چیست و از کجا می‌آید، به نظر من از جانب فضای مجازی و فرهنگ‌های خارجی نیست، و این را هم باید بگویم که تغییر هم لزوماً آسیب و خطر به‌حساب نمی‌آید. فکر می‌کنم خطرات اصلی، یکی از دست‌رفتن حافظه است که چیزهای با ارزشی احياناً یادمان برود. همین «آشپزی اصیل» که گفتیم بیشتر در خطر است. یکی دیگر هم اینکه ممکن است بخواهیم زیادی در مقابل تغییرات موضع بگیریم. یعنی اگر آماده ایجاد تغییر یا پذیرفتن چیزهای جدید در جای خودش باشیم، و این به معنی از دست‌رفتن حافظه ما نباشد، به نظرم کم‌وبیش در امان خواهیم بود

در برخی مناطق آماده‌سازی غذاهای دریایی از مراحل صید تا تمیزکردن تقریباً مردانه است... آشپزی در فرهنگ جنوب زنانه تلقی می‌شود یا مردانه؟

در آشپزی مردانه زنانه نداریم. شاید در گذشته داشته‌ایم که در این صورت هم بیشتر در خانه‌ها خانم‌ها آشپزی می‌کرده‌اند. ولی خوب به همان نسبت



بر خلاف سایر جهان، در ایران هیچ مؤسسه و مدرسه و تشکیلات خاصی برای آموزش در حوزه گردشگری غذا نداریم. به‌خصوص برای «آشپزی اصیل». چند نفر خودشان کارهایی می‌کنند که بیشتر به نظر مقاصد تجاری دارند

البته، در خصوص «فست‌فود»، این که ما بتوانیم غذاهای خارجی را خوب و حتی بهتر از خودشان درست کنیم هیچ اشکالی ندارد، و خیلی هم خوب است، ولی باید حواسمان باشد که «فست‌فود» یک «مفهوم» است که به نظرم خیلی از ایرانی‌ها آن را هم خوب درک نکرده‌اند. یعنی فکر می‌کنند؛ مثلاً همبرگر یا پیتزا «فست‌فود» است. چنین چیزی نیست. فست‌فود یک روش مدیریت و تجارت مرتبط با تهیه و فروش غذا است که ممکن است آن خوراک مال هر جایی هم باشد - از جمله ایران. کار خوبی نیست که بعضی غذاهای خارجی را زیر این مجموعه بگذاریم. این هم خودش نوعی آسیب است. درک غلط مفهوم برای ما درس‌های زیادی درست کرده



گردشگری در خلیج فارس فرصت یا تهدید؟



ایمان شیرمحمدی | فعال گردشگری

از طرف دیگر باید به این موضوع توجه کنیم که گردشگری غیر پایدار باعث آلودگی آب از طریق تخلیه فاضلاب، تخریب سواحل به دلیل ساخت‌وساز بی‌رویه، صدمه به اکوسیستم‌های حساس مانند آبنسنگ‌های مرجانی، جنگل‌های حرا و همچنین آسیب به تنوع زیستی می‌شود از مشکلات دیگری که حوزه گردشگری شهرها و جزایر خلیج‌فارس دارد توجه به گردشگری انبوه است؛ چون گردشگری انبوه اغلب بر سود کوتاه‌مدت تمرکز دارد و منجر به ازدحام، آلودگی و تخریب محیط می‌شود، درحالی‌که گردشگری پایدار تلاش می‌کند تا اثرات منفی را کاهش دهد، به فرهنگ بومی احترام بگذارد و منافع بلندمدت برای محیط‌زیست و مردم منطقه ایجاد کند. پروژه‌های گردشگری در بسیاری از موارد، تخریب محیط می‌شود، درحالی‌که گردشگری پایدار تلاش می‌کند تا اثرات منفی را کاهش دهد، به فرهنگ بومی احترام بگذارد و منافع بلندمدت برای محیط‌زیست و مردم منطقه ایجاد کند. پروژه‌های گردشگری در بسیاری از موارد، تخریب محیط می‌شود، درحالی‌که گردشگری پایدار تلاش می‌کند تا اثرات منفی را کاهش دهد، به فرهنگ بومی احترام بگذارد و منافع بلندمدت برای محیط‌زیست و مردم منطقه ایجاد کند. پروژه‌های گردشگری در بسیاری از موارد، تخریب محیط می‌شود، درحالی‌که گردشگری پایدار تلاش می‌کند تا اثرات منفی را کاهش دهد، به فرهنگ بومی احترام بگذارد و منافع بلندمدت برای محیط‌زیست و مردم منطقه ایجاد کند.

جوامع بومی را به‌عنوان ذی‌نفع اصلی وارد کرده‌اند؛ بنابراین خلیج‌فارس می‌تواند از این تجربیات در زمینه آموزش، کنترل ظرفیت گردشگر و مدیریت مشارکتی بهره ببرد

همچنین ما با کاهش تقاضای گردشگر هم مواجه هستیم؛ اگر بخواهیم عواملی که سبب کاهش تقاضای اکوتوریسم در این منطقه می‌شود را بررسی کنیم می‌توانیم به عواملی مانند عدم امکانات و تسهیلات کافی، محدود بودن مکان‌های اقامتی، نگرش و دیدگاه منفی اهالی روستاها و جزایر نسبت به استقبال گردشگران از یک منطقه گردشگری اثر می‌گذارد. یکی دیگر از عواملی که بازدیدکنندگان به‌خصوص بازدیدکنندگان بین‌المللی را از بازدید منطقه مایوس می‌کند، کم‌مشکشی سیاسی و شایعه عدم وجود امنیت در منطقه به دلیل وجود مراکز نظامی، نفتی و نیروگاه متعدد وابسته به آن است

راه‌های مختلفی برای کسب درآمد از طریق گردشگری در مناطق مختلف خلیج‌فارس وجود دارد که می‌توان به چندین مورد اشاره کرد



گردشگری انبوه اغلب بر سود کوتاه‌مدت تمرکز دارد و منجر به ازدحام، آلودگی و تخریب محیط می‌شود، درحالی‌که گردشگری پایدار تلاش می‌کند تا اثرات منفی را کاهش دهد، به فرهنگ بومی احترام بگذارد و منافع بلندمدت برای محیط‌زیست و مردم منطقه ایجاد کند

گردشگری انبوه اغلب بر سود کوتاه‌مدت تمرکز دارد و منجر به ازدحام، آلودگی و تخریب محیط می‌شود، درحالی‌که گردشگری پایدار تلاش می‌کند تا اثرات منفی را کاهش دهد، به فرهنگ بومی احترام بگذارد و منافع بلندمدت برای محیط‌زیست و مردم منطقه ایجاد کند

ضمیمه روزنامه پیام ما

روزنامه سیاسی - اجتماعی
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
 روح‌الله خدیشی
 چاپ: صمیم ۶۵۵۸۶۸۰۱ - ۰۲۱

سر‌دبیر: فاطمه علی‌اصغر
 دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
 مدیر هنری: تیوا صدیقان
 عکس: یاسر خدیشی (دبیر)
 بازرگانی و فروش: محمد زز

همکاران: ریحانه حیدری، مریم کاظمی‌زاده و ایمان شیرمحمدی
 ویراستار: فرح ابوطالبی
 آدرس: تهران، خیابان شریعتی، ابتدای شهید بهشتی، پلاک ۱۲، طبقه اول | تلفن: ۰۲۱ - ۴۲ ۱۹ ۱۰
 @payamema @payamema ۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴ www.payamema.ir



گفت‌وگو با سید فواد توحیدی، پژوهشگر موسیقی نواحی درباره ریشه‌های جغرافیایی و فرهنگی نغمه‌های جنوب؛

رقص ملودی‌ها در آغوش دریا

صدای نی‌انبان از ساحل بندرعباس بلند می‌شود و ریتم یزله در کوجه‌های بوشهر جان می‌گیرد. در جزیره قشم، آوای آیین زار، حکایت مرادوات تاریخی این سرزمین را بازگو می‌کنند. اینجا در ساحل خلیج فارس، جایی که موج‌ها با آفتاب داغ هم‌صدا می‌شود، موسیقی جریان دارد که روایتگر زندگی‌ست؛ حکایت‌هایی از سفرهای ملوانان، آوازهایی برای شفا و آرامش و ردیابی از فرهنگ‌های دوردست که به دل این خاک راه یافته‌اند. این موسیقی فقط نغمه نیست؛ حافظهٔ یک سرزمین است. گذشته را به آینده پیوند می‌زند و در دل هر ضرب‌آهنگش، ردیای هویت و استقامت مردمانی دیده می‌شود که حتی در طوفان زمان، صدایشان خاموش نشده است. سید فواد توحیدی، پژوهشگر و نوازنده موسیقی نواحی در گفت‌وگو با «پیام ما» از چگونگی شکل‌گیری این نغمه‌ها گفته است؛ اینکه چطور اقلیم و فرهنگ بر شکل‌گیری موسیقی نواحی جنوب ایران تأثیر گذاشته. به اعتقاد او، در روزگار تسلط موسیقی پاپ و نفوذ فضای مجازی باید مراقب بود که این گنجینه بومی در خطر فراموشی قرار نگیرد.

و موسیقی این نواحی هم بر سایر فرهنگ‌ها تأثیرگذار بوده است. پیش از همه، فرهنگ، موسیقی و آیین‌های آفریقایی در مناطق جنوبی خیلی تأثیرگذار بوده است. نغتهای بوموسیقی حتی در لباس پوشیدن، آیین‌ها، لهجه و گویش کاملاً خودش را نشان می‌دهد. چون مناطق ساحلی معمولاً محل مروده و دادوستد است، در این میان، فرهنگ هم دادوستد می‌شود و ناخودآگاه تأثیر خودش را می‌گذارد. شما هنوز در گویش جنوبی‌ها خیلی واژه‌های غیروومی را می‌بینید. حتی در موسیقی که ما داریم؛ مثلاً موسیقی زار، موسیقی لیوا، نیمه، حتی گواتی مناطقی مثل بلوچستان که از طریق دریای عمان، دادوستد صورت می‌گرفته، شما این تأثیر را می‌بینید که حتی واژه‌های آفریقایی را در مراسم مثلاً زار یا لیوا می‌توانید تشخیص دهید و این اتفاق در این مناطق بیشتر از سایر مناطق ایران است. یعنی این مروده فرهنگی و این دادوستد بیشتر بوده است.

ترانه‌های موسیقی جنوب چه مضامین و موضوعاتی را بیشتر دربرمی‌گیرند؟ و آیا این مضامین با زندگی روزمره مردم ارتباط دارند؟

بله اشعار و ترانه‌های این مناطق کاملاً بر پایه زندگی روزمره مردم است. تعدادی از آن‌ها مربوط به پیشه مردم می‌شود؛ مثل ماهیگیری، دریانوردی و تعدادی دیگر از مشاغل. این ترانه‌ها کاملاً بازگوکننده احوالات آن‌ها است. مثلاً عاشقی‌ها، درد و رنج، رویدادهای تاریخی و سایر مسائل که منطبق بر زندگی مردم منطقه است. معمولاً این اشعار در قالب دوبیتی هستند. دوبیتی‌های محلی که در برخی مناطق به‌صورت شرمه خوانده می‌شود. در بعضی مناطق مثل هرمزگان به‌صورت شروند و در مناطق بلوچ‌نشین زهبروک، گردی و این‌ها همه کاملاً به بیان حالات افراد مرتبط است. در کنار آن‌ها خیام‌خوانی بوشهر را داریم و موسیقی‌های دیگری مانند نیمه‌خوانی و چاووش‌خوانی. این‌ها کاملاً اشعار منطبق بر زندگی افراد مناطق است.

زیادی در تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی مردم نواحی جنوب ایفا می‌کنند؟

بله موسیقی جنوب با زندگی مردم این منطقه عجین است. این‌قدر این وابستگی زیاد است که حتی یک نفر که

بطلورگی موسیقی نواحی هر منطقه حاصل مواجهه هنرمندان موسیقی با اقلیم خودشان است. علاوه بر اقلیم و جغرافیا، فرهنگ نیز بر شکل‌گیری موسیقی نواحی تأثیر دارد. در واقع فرهنگ شامل آداب‌ورسوم، عقاید، مذهب، گویش و لهجه و سایر شاخصه‌های فرهنگی است که در موسیقی نواحی هر منطقه تأثیرگذار است. برای مثال موسیقی مناطق گرمسیر یا مناطق سردسیر و مرتفع کاملاً متفاوت است. چه از نظر سازبندی، چه از نظر گویش اشعار، چه از نظر گردش ملودی. پس جغرافیا و فرهنگ بیشترین تأثیر را در موسیقی نواحی هر اقلیم دارند. اتفاق دیگری که در مناطق جنوبی و خصوصاً مناطق ساحلی افتاده، تأثیر فرهنگ و موسیقی سایر ملل بر موسیقی این مناطق است و البته این تأثیر متقابل بوده است و فرهنگ



شبنم شکوریان | دبیر ویژه‌نامه



فواد توحیدی | پژوهشگر موسیقی

الان اکثر مردم هویت‌گریز شده‌اند و از چیزی که آن‌ها را متوقف و به فکر وادار کند، فرار می‌کنند. دلایلش هم فضای مجازی است

پژوهشگر موسیقی

رضا عابدیان، پژوهشگر موسیقی نواحی از پتانسیل موسیقی جنوب می‌گوید

گردشگری با نوای موسیقی

نغمه‌های جنوب ایران می‌توانند گردشگران جهان را به سوی خلیج فارس بکشانند

زیر آسمان پرستاره ساحل کنگان، ملودی‌های کهن صیادان با ریتم موج‌ها یکی می‌شود. در چابهار، نغمه‌های گواتی زیر نور ماه، قصه‌های اساطیری را زنده می‌کنند. آوایهایی که انگار از دل دریا و خاک جنوب برخاسته. این موسیقی، قلب تپنده فرهنگ جنوب ایران است که هر گردشگر را به خلیج‌فارس می‌کشاند. رضا عابدیان، پژوهشگر موسیقی نواحی از پتانسیل این نغمه‌ها برای جذب گردشگری می‌گوید. او که درباره گنجینه موسیقی نواحی ایران مطالعات زیادی دارد، معتقد است که این موسیقی می‌تواند جنوب ایران را به مقصدی فرهنگی در نقشه جهانی گردشگری بدل کند. با این وجود، به اعتقاد او نبود حمایت کافی و کم‌توجهی به فستیوال‌هایی مثل «کوجه»، این فرصت را به حاشیه برده است. عابدیان تأکید می‌کند که با آموزش، پشتیبانی از هنرمندان و تقویت رویدادهای موسیقایی، می‌توان این گنج فرهنگی را به وتری‌نی برای جذب گردشگران تبدیل کرد.

موسیقی نواحی جنوب ایران، به‌ویژه در حاشیه خلیج‌فارس، چه ویژگی‌هایی دارد؟

معمولاً موسیقی نواحی و فولکلور در هر منطقه‌ای متأثر از اقلیم، فرهنگ، آیین و برخی مناسبات و رفتارها و سلاقی مردم است. موسیقی جنوب هم همین‌طور است و در این منطقه نیز می‌توانید شنونده موسیقی باشید که محتوای گوناگونی دارند. آوای صیادان و چاشوان به هنگام صید، نغمه‌هایی که در مراسم زار برای درمان استفاده می‌شد؛ یا گواتی در بلوچستان، موسیقی بندری که به‌خاطر تأثیر مهاجران آفریقایی، رگه‌هایی از موسیقی این قاره در آن هویداست... منتهی یک ویژگی برجسته لزوم اجرا جمعی در ژانرهای این خطه است؛ مثلاً در یزله، لیوا، سبالو و نیمه. خلاصه اینکه مجموعه موسیقایی متنوع و رنگارنگ و منحصربه‌فرد در آن خطه وجود دارد

آیا ترانه‌های محلی خلیج‌فارس روایتگر تاریخ یا اسطوره‌های خاصی هستند؟

نشانه‌هایی در این باره وجود دارد؛ مثلاً ساز سیمبرغ (فیچک) در بلوچستان یا مقام سیمبرغ همچنین «که کووی» در سیستان همگی حکایت پرواز پرنده به‌سوی ژرفای فلک و نبرد و سوختن و بازگشتن را در خود دارند؛ اینها با اسطوره‌های ایرانی و در نهایت با اسطورهٔ بابلی نزدیکی دارند. این آهنگ‌ها فاقد آواز هستند و به‌صورت ریترورساز اجرا می‌شوند، توصیفی و بی‌کلام‌اند و تاکنون به آنها پرداخته نشده است

آیا موسیقی حاشیه خلیج‌فارس به اندازه کافی در ایران و جهان شناخته شده است؟

ما موسیقی به نام موسیقی خلیج‌فارس نداریم؛ چون این خطه یک تنوع فرهنگی بخصوص دارد و از خوزستان



رضا عابدیان | پژوهشگر موسیقی

از آنجا که سیستم کلاً نگاهش به موسیقی جدی و اصیل، منفعت‌گراست، این موسیقی هر سال رو به قهقرا رفت و اکنون رمقی از آن باقی نمانده است؛ بنابراین این موسیقی چندان شناخته شده نیست. البته بعضاً کسانی بوده‌اند که متوجه ارزشمندی این موسیقی بوده‌اند

جنوب هم نیامده باشد، با شنیدن موسیقی جنوب می‌تواند شاخص‌های فرهنگی و اتمسفر زندگی مناطق جنوب را از طریق موسیقی دریابد. این‌قدر که موسیقی با زندگی مردم منطقه درهم‌تنیده است

باتوجه تنوع ملودی‌ها و سازها در مناطق جنوبی ایران، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در بستر موسیقایی نواحی مختلفی مانند خوزستان، بوشهر و هرمزگان و همچنین بلوچستان وجود دارد؟ ویژگی‌های خاص ملودی‌ها و سازها در هر یک از این مناطق، چیست؟

ملودی‌های زیادی در این مناطق وجود دارد. می‌توان گفت بستر همه این ملودی‌ها شبیه به هم است. بستر ملودی‌ها از خوزستان تا بوشهر و هرمزگان بسیار به هم شبیه است. در چابهار و بلوچستان به علت فواصل موسیقی بلوچی بستر موسیقایی متفاوت است. سازهایی هم که در مناطق جنوبی وجود دارد، بسیار متنوع است. یعنی سازهای زیادی را در این مناطق داریم که مهم‌ترین آن‌ها به نظر من ساز نی تکی و نی جفتی است که ریشه قدیمی‌تری هم دارد. علاوه‌بر آن، ساز سرنا جزو سازهای مهم این نواحی است و همچنین ساز نی‌انبان که به‌احتمال‌قوی یکم متأخرتر از آن‌ها است، اهمیت دارد. همچنین سازهای کوبه‌ای تنبوره یا تمبیره نوبان که ریشه آفریقایی دارد و سایر سازهای کوبه‌ای مثل دهل، کسر، کاسوره، طبل و لیوا هم نقش مهمی دارد. ساز دیگری هم در مناطق جنوبی به نام ساز فیچک شناخته می‌شود که اسم واقعی آن سرود یا سرود است و در مناطق بلوچستان و قسمت‌هایی از هرمزگان، کرمان و حتی قسمت‌هایی از خراسان نواخته می‌شود. این ساز در موسیقی استان هرمزگان و همچنین سیستان و بلوچستان خیلی نقش پررنگی دارد و در بندرعباس و هرمزگان به آن می‌بروک هم گفته می‌شود و حتی در بعضی نواحی که نزدیک کرمان است به این ساز چنگ می‌گویند. این ساز جزو شاه‌سازهای مناطق جنوبی است. سازهای اصلی مناطق تقریباً این‌هایی است که گفتم. سازهای دیگری مثل بینجو و دهلک و تمبورک و بنجو و ریاب نیز در مناطق بلوچ‌نشین وجود دارد. اصلاً تنوع سازها در مناطق جنوبی و ساحلی ایران واقعاً زیاد است

زیادتی بسیاری معتقدند که موسیقی نواحی در سال‌های اخیر دچار تغییراتی شده است. شما چه تغییراتی را در موسیقی نواحی جنوب مشاهده می‌کنید و به نظر شما چه عواملی موجب شده تا این تغییرات ایجاد شود؟

تغییر عمداتی که در موسیقی مناطق جنوبی خصوصاً در سال‌های اخیر دیده می‌شود، بنبوعی حرکت به سمت موسیقی پاپ و فیوژن است. یعنی از ملودی‌های بومی و تعدادی از سازهای بومی استفاده می‌شود؛ ولی حرکت به سمت موسیقی پاپ و مردمی و موسیقی تلفیقی است. به همین دلیل خیلی از سازهای غیربومی جدیداً وارد موسیقی شده و موسیقی فیوژن را ایجاد کرده است. حالا چه از نظر سازبندی، چه از نظر ملودی و اشعار می‌بینیم که موسیقی این مناطق دچار تغییرات شده است. علت تغییرات هم این است که به‌طور کلی در تمام مناطق همه چیز عوض شده. یعنی الان اکثر مردم هویت‌گریز شده‌اند و از چیزی

برای تغییر ذائقه مردم و افزایش آگاهی و سواد موسیقایی آن‌ها؛ آماده شود و هم باید دغدغه‌های اقتصادی هنرمندان محبوب و مهجور موسیقی محلی به‌وسیله نهادهای بالادستی مرتفع شود تا این فستیوال‌ها باکیفیت و با اتفاقات خوب انجام شوند. اجراهای درخشان این فستیوال‌ها می‌تواند منبع و آرشیبوی باشد برای اینکه محققان و دانشجویان موسیقی که دسترسی به این نوازندگان ندارند از آن استفاده کنند

نمونه‌های موفق جهانی وجود دارد که از موسیقی محلی برای توسعه گردشگری استفاده می‌کنند؟

جشنواره آلبوینو و فستیوال‌های گردشگری مانند فیتور بیانه‌های خوبی برای ارائه آثار هنرمندان اصیل جهان بوده‌اند

چگونه موسیقی می‌تواند در مقابل تحریف نام خلیج‌فارس مقاومت کند؟

تنها ایران است که مرز آبی آن با اقیانوس آرام و دریای عمان بیشتر از بقیه کشورهای عربی منطقه است. محتوای اشعار ترانه‌هایی محلی در این خطه هر کدام گویش و لهجه‌ها، شکوه‌های یک زبان‌اند و آن زبان فارسی است. پس هر کدام از این آثار، سندی است که گواهی می‌دهد این خلیج فارسی است

جنوب هم نیامده باشد، با شنیدن موسیقی جنوب می‌تواند شاخص‌های فرهنگی و اتمسفر زندگی مناطق جنوب را از طریق موسیقی دریابد. این‌قدر که موسیقی با زندگی مردم منطقه درهم‌تنیده است

باتوجه تنوع ملودی‌ها و سازها در مناطق جنوبی ایران، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در بستر موسیقایی نواحی مختلفی مانند خوزستان، بوشهر و هرمزگان و همچنین بلوچستان وجود دارد؟ ویژگی‌های خاص ملودی‌ها و سازها در هر یک از این مناطق، چیست؟

ملودی‌های زیادی در این مناطق وجود دارد. می‌توان گفت بستر همه این ملودی‌ها شبیه به هم است. بستر ملودی‌ها از خوزستان تا بوشهر و هرمزگان بسیار به هم شبیه است. در چابهار و بلوچستان به علت فواصل موسیقی بلوچی بستر موسیقایی متفاوت است. سازهایی هم که در مناطق جنوبی وجود دارد، بسیار متنوع است. یعنی سازهای زیادی را در این مناطق داریم که مهم‌ترین آن‌ها به نظر من ساز نی تکی و نی جفتی است که ریشه قدیمی‌تری هم دارد. علاوه‌بر آن، ساز سرنا جزو سازهای مهم این نواحی است و همچنین ساز نی‌انبان که به‌احتمال‌قوی یکم متأخرتر از آن‌ها است، اهمیت دارد. همچنین سازهای کوبه‌ای تنبوره یا تمبیره نوبان که ریشه آفریقایی دارد و سایر سازهای کوبه‌ای مثل دهل، کسر، کاسوره، طبل و لیوا هم نقش مهمی دارد. ساز دیگری هم در مناطق جنوبی به نام ساز فیچک شناخته می‌شود که اسم واقعی آن سرود یا سرود است و در مناطق بلوچستان و قسمت‌هایی از هرمزگان، کرمان و حتی قسمت‌هایی از خراسان نواخته می‌شود. این ساز در موسیقی استان هرمزگان و همچنین سیستان و بلوچستان خیلی نقش پررنگی دارد و در بندرعباس و هرمزگان به آن می‌بروک هم گفته می‌شود و حتی در بعضی نواحی که نزدیک کرمان است به این ساز چنگ می‌گویند. این ساز جزو شاه‌سازهای مناطق جنوبی است. سازهای اصلی مناطق تقریباً این‌هایی است که گفتم. سازهای دیگری مثل بینجو و دهلک و تمبورک و بنجو و ریاب نیز در مناطق بلوچ‌نشین وجود دارد. اصلاً تنوع سازها در مناطق جنوبی و ساحلی ایران واقعاً زیاد است

زیادتی بسیاری معتقدند که موسیقی نواحی در سال‌های اخیر دچار تغییراتی شده است. شما چه تغییراتی را در موسیقی نواحی جنوب مشاهده می‌کنید و به نظر شما چه عواملی موجب شده تا این تغییرات ایجاد شود؟

تغییر عمداتی که در موسیقی مناطق جنوبی خصوصاً در سال‌های اخیر دیده می‌شود، بنبوعی حرکت به سمت موسیقی پاپ و فیوژن است. یعنی از ملودی‌های بومی و تعدادی از سازهای بومی استفاده می‌شود؛ ولی حرکت به سمت موسیقی پاپ و مردمی و موسیقی تلفیقی است. به همین دلیل خیلی از سازهای غیربومی جدیداً وارد موسیقی شده و موسیقی فیوژن را ایجاد کرده است. حالا چه از نظر سازبندی، چه از نظر ملودی و اشعار می‌بینیم که موسیقی این مناطق دچار تغییرات شده است. علت تغییرات هم این است که به‌طور کلی در تمام مناطق همه چیز عوض شده. یعنی الان اکثر مردم هویت‌گریز شده‌اند و از چیزی

برای تغییر ذائقه مردم و افزایش آگاهی و سواد موسیقایی آن‌ها؛ آماده شود و هم باید دغدغه‌های اقتصادی هنرمندان محبوب و مهجور موسیقی محلی به‌وسیله نهادهای بالادستی مرتفع شود تا این فستیوال‌ها باکیفیت و با اتفاقات خوب انجام شوند. اجراهای درخشان این فستیوال‌ها می‌تواند منبع و آرشیبوی باشد برای اینکه محققان و دانشجویان موسیقی که دسترسی به این نوازندگان ندارند از آن استفاده کنند

نمونه‌های موفق جهانی وجود دارد که از موسیقی محلی برای توسعه گردشگری استفاده می‌کنند؟

جشنواره آلبوینو و فستیوال‌های گردشگری مانند فیتور بیانه‌های خوبی برای ارائه آثار هنرمندان اصیل جهان بوده‌اند

چگونه موسیقی می‌تواند در مقابل تحریف نام خلیج‌فارس مقاومت کند؟

تنها ایران است که مرز آبی آن با اقیانوس آرام و دریای عمان بیشتر از بقیه کشورهای عربی منطقه است. محتوای اشعار ترانه‌هایی محلی در این خطه هر کدام گویش و لهجه‌ها، شکوه‌های یک زبان‌اند و آن زبان فارسی است. پس هر کدام از این آثار، سندی است که گواهی می‌دهد این خلیج فارسی است

فرهنگی مؤثر بوده و باعث تسلیم نهادها و منقطع شدن تفکر مسئولین شده است. قبول دارم که گاهی شخصی شدن خواسته‌های هنرمند تعامل حداقلی را هم حذف کرده است. حتی در مواردی هنرمند وقتی پایش به آن ور آب رسیده با اینکه خودش در هر سال رایگان در جشنواره فجر شرکت می‌کرده با رسانه‌های معترض مصاحبه کرده و گفته در فشار و گروگان بوده در صورتی‌که این‌طور نبوده؛ بلکه در همین مملکت پرندش شکل گرفته است؛ بنابراین به نظر رعایت چارچوب و قوانین و شخصی نکردن و تقهیل‌اندان مناسبات اجرا آن‌چنان‌که منافی قوانین نباشد، موجب خواهد شد بدون دغدغه هنرمند به روی صحنه بیاید و اقرش را اجرا کند. در این میان حراست و حفاظت از اجرا و فستیوال به‌وسیله ارگان مجری بسیار لازم است. نهادهای موازی در کشور ما هر یک نگاهی متفاوت به هنر دارند و برخی از آن‌ها به قول شاملو، هنر را موی دماغ خود می‌خوانند که نباشد بهتر است؛ به همین دلیل نباید بهانه به دست آنان داد؛ لذا نه این فستیوال بلکه هر فستیوال و جشنواره دیگری قطعاً مخاطب خود را دارد و می‌تواند در اعتلا فرهنگ و هنر ما تأثیر بسزایی داشته باشد

پیشنهاد شما برای بهبود این فستیوال‌ها چیست؟

هم باید در تمام سال بستر و زیر ساخت‌های آموزشی به‌رحال گردشگران وقتی به جایی سفر می‌کنند در زمان و مکان جدیدی قرار می‌گیرند که یکی از جاذبه‌های آن دریافت و درک فرهنگ و مناسبات آنجا است. موسیقی محلی جنوب ایران به‌خاطر تنوعی که دارد، هم به لحاظ محتوا هم به لحاظ پرفورمنس و اجرا بسیار گوش‌نواز و چشم‌نواز است

آیا اجراهای زنده در شهرهایی مثل بوشهر، قشم، و بندرعباس به جذب گردشگر کمک کرده است؟

قطعاً همین‌طور است. موسیقی وقتی در متن و فضای خودش اجرا می‌شود اثرگذاری بیشتری دارد

رویدادهایی مثل فستیوال «کوجه» چه نقشی در این میان دارند؟ آیا می‌توانند پلی میان موسیقی محلی و مخاطبان عام باشند؟

ببینید در تمام این سال‌ها تعارضی بین خواسته‌های هنرمندان و گفتمان مسلط نهادهای قانون‌گذار و تعیین‌کننده سیاست‌های فرهنگی به شکل فرسایشی ادامه یافته است که نتیجه آن حذف هنرمند و منزوی کردن او و یا مهاجرت بوده است. اما این چانه‌زنی در تمام این سال‌ها در ارتقای فرهنگ و بهبود وضعیت

